

## درباره‌ی مسأله یهود

در زیر، چهار مطلب از تروتسکی که در سال‌های آخر عمرش ارائه داد و در آن‌ها نظر خود را نسبت به مسأله‌ی یهود مطرح کرد، انتشار می‌یابد. اولین مطلب، به شکل مصاحبه‌ای است که تروتسکی پس از ورودش به مکزیک با خبرنگاران نشریه‌ی یهودی داشت. دومی، برگزیده است از یک مقاله در باره‌ی «ترمیدور و ضدیهود» که تروتسکی در سال ۱۹۳۷ نوشت. سومی، نامه‌ای است که تروتسکی خطاب به یهودیانی که مورد تهدید و ارباب موج ضدیهودی و فاشیسم در ایالات متحده قرار گرفته بودند، نوشت و از آن‌ها خواست که از مبارزات انقلابی «بین‌الملل چهارم» دفاع کنند، زیرا که تنها راه نجات آن‌ها بود. چهارمین مطلب از میان مطالب آرشیو تروتسکی انتخاب شده است.

### مطلب اول

قبل از این که به سنوالات شما پاسخ گویم، باید به شما این اخطار را بدهم که من متأسفانه هرگز این فرصت را نیافتم تا زبان مردم یهود [یدی] را فراگیرم؛ زبانی که تنها از زمانی که من فرد بالغی شدم رواج یافته است. من هرگز این امکان را نداشته و ندارم که روزنامه‌های یهودی را دنبال کنم و این، مانع می‌شود تا بتوانم نظر دقیقی در مورد جوانب مختلف مسأله‌ای به این مهمی و فجیحی بدهم. بنابراین من نمی‌توانم مدعی هیچگونه تخصص خاصی

در پاسخگویی به شما باشم. معذالک سعی خواهم کرد تا نظر خود را در این باره ابراز دارم.

در دوران جوانی‌ام همیشه تمایلیم به این بود که یهودیان کشورهای مختلف بالاخره جذب جوامع خود شده و مسأله‌ی یهود به نحوی خود به خودی از میان می‌رود. سیر تکامل تاریخی بیست و پنج سال اما این چشم انداز را تأیید نکرده است. سرمایه داری رو به زوال همه جا به طرف ناسیونالیزم روی آورده است که بخشی از آن [ناسیونالیزم] ضد یهود است. مسأله‌ی یهود در کشورهای بسیار پیشرفته سرمایه داری اروپا، آلمان رشد کرده است.

از طرف دیگر، یهودیان کشورهای مختلف روزنامه های خود را درست کرده و زبان خود را به عنوان وسیله‌ای متناسب با فرهنگ مدرن شکل داده‌اند. بنابراین، باید این فرض را کرد که در حقیقت ملت یهود برای عصر تاریخی در پیش، خود را حفظ خواهد کرد. البته معمولاً یک ملت بدون داشتن سرزمینی از خود، نمی‌تواند وجود داشته باشد. صهیونیزم از همین جا سرچشمه می‌گیرد. اما هر روز حقایق به ما ثابت می‌کند که صهیونیزم قادر به حل مسأله‌ی یهود نیست. تضاد و ناسازگاری بین یهودیان و اعراب در فلسطین روز به روز خصلت فجیح‌تر و شوم‌تری به خود می‌گیرد. من معتقدم نیستم که مسأله‌ی یهود در چارچوب سرمایه داری و تحت کنترل امپریالیزم انگلستان قابل حل شدن است.

شما از من سنوالمی کنید که سوسیالیزم چگونه این مسأله را حل می‌کند؟ در این مورد من فقط می‌توانم فرضیه ارائه بدهم. آنگاه که سوسیالیزم بر کرده‌ی ما مسلط شد و یا لاقلاً بر مهم‌ترین بخش‌های آن حاکم شد، منابع و امکانات غیرقابل‌تصوری را در حوزه‌های مختلف خواهد داشت. تاریخ بشر،

به علت بربریت، شاهد عصری از مهاجرت های بزرگی بوده است. سوسیالیزم امکان مهاجرت های عظیمی را بر اساس پیشرفته ترین تکنیک ها و فرهنگ ها ایجاد خواهد کرد. لازم به گفتن نیست که در اینجا مسأله بر سر جابجایی های اجباری نیست، یعنی ایجاد محله های اقلیت نشین (گتو) برای ملیت های مشخصی، بلکه جابجایی ها با رضایت خاطر آزادانه، یا بنا به مطالبه ملیت های مشخص و یا بخش هایی از ملیت ها. [به این ترتیب] یهودیانی که پراکنده زندگی می کنند و می خواهند در محل زندگی خود متمرکز شوند، مکان غنی و گسترده ای را به اندازه کافی زیر خورشید می یابند. همان امکان برای اعراب هم فراهم می شود مانند تمام ملیت های پراکنده دیگر. نقشه برداری سراسری بخشی از اقتصاد با برنامه خواهد شد. این چشم انداز عظیمی است که من در ذهنم ترسیم می کنم. کار کردن برای سوسیالیزم بین المللی شامل به دنبال، یافتن راه حل برای مسأله ی یهود هم می باشد.

شما از من می پرسید که آیا هنوز مسأله ی یهود در اتحاد جماهیر شوروی وجود دارد؟ بلی هنوز وجود دارد، درست همان طوری که مسأله ی اوکراین، گرجستان و حتی روسیه هنوز وجود دارد. قدرت بوروکراسی، فرهنگ ملی را مانند کل فرهنگ [جامعه]، خفه کرده است. از این هم بدتر اینکه کشور بزرگ ترین انقلاب پرولتری، اکنون به سوی ارتجاع عمیق فرو می رود. اگر موج انقلابی، بهترین عاطفه انسانی در اتحاد را برانگیخت، ارتجاع ترمیدوری برای این جمعیت ۱۷۰ میلیونی تمام آن را به تیره ترین و پایین ترین درجه عقب افتادگی رسانیده است. بوروکراسی برای تحکیم غلبه خود، تردیدی در استفاده از گرایشات شوونیستی به روش مستتر نداشته است؛ بیش از همه، در روش های ضدیهودی خود. برای نمونه، در دادگاه های اخیر مسکو بدون

هیچگونه سرپوشی، طرحی را به نمایش گذاردند که نشان دهند، انترناسیونالیست‌ها یهودیانی بی‌ایمان و بی‌قانونی هستند که قادرند خود را به گشتاپوی آلمان بفروشند.

از سال ۱۹۲۵ و به ویژه از سال ۱۹۲۶، عوام فریبی ضدیهود که امری کاملاً پوشیده و غیرقابل مبارزه بوده، با دادگاه‌های فرمایشی علیه قاتلان قسم خورده، درآمیخته شده است. شما از من می‌پرسید که آیا خرده بورژوازی یهودی سابق، در اتحاد جماهیر شوروی، در محیط تازه شورایی تلفیق شده است؟ من حقیقتاً نمی‌دانم چگونه به شما جوابی روشن بدهم. آمار اجتماعی و سراسری در اتحاد جماهیر شوروی به شدت تحت کنترل قرار دارد، به ویژه در موارد جدال برانگیز. هدف آن‌ها خدمت به حقیقت نیست، بلکه هدفشان تجلیل از رهبران و رؤسا، آفرینندگان خوشبختی است. بخش مهمی از خرده بورژوازی یهود به وسیله‌ی دستگاه‌های نیرومند دولت، صنعت، تجارت، تعاونی‌ها و از این قبیل جذب شده‌اند، بخصوص از میان طبقه‌ی متوسط و پایین. این حقیقت، موقعیت روحی ضدیهود را دامن می‌زند و رهبران با مهارتی حلیه‌گرانه این وضع را تحریک می‌کنند، تا نارضایتی موجود از بوروکراسی را مخصوصاً به سمت یهودیان کانالیزه کنند.

در «بیرو-بیدیان» [محلّه‌ای که یهودیان در آن خودمختاری داشتند]، من چیزی بجز ارزیابی شخصی نمی‌توانم بدهم. من با این ناحیه آشنایی ندارم و از آن هم کم‌تر، آشنایی من با شرایطی است که یهودیان در آنجا مستقر شدند. در هر صورت، نمی‌تواند چیزی بیش از تجربه‌ای خیلی محدود باشد. اتحاد جماهیر شوروی به تنهایی بیش از آن فقیر است که بتواند مسأله‌ی یهود را حل کند، حتی اگر تحت رژیم بسیار سوسیالیست‌تر از این رژیم قرار داشت.

من تکرار می‌کنم که این مسأله متکی به رهایی کامل کل بشریت است. هر چیز دیگری که انجام پذیرد، تنها حالت مسکن را دارد و اغلب تبدیل به تیغ دوسر می‌شود، مانند آنچه که در فلسطین شاهد هستیم.

۱۸ ژانویه ۱۹۳۷

## مطلب دوم

بعضی از نظریه پردازان آینده، من را به مطرح کردن «ناگهانی مسأله‌ی یهود» متهم کرده و می‌گویند که می‌خواهم به نوعی محله [گتو] برای یهودیان بوجود آورم. من [در جواب] تنها می‌توانم به علامت تأسف شانه‌هایم را بالا بیاندازم. من در طول کل زندگیم همیشه بیرون از مدار یهودیان زندگی کرده‌ام. من همیشه در جنبش کارگری روسیه کار کرده‌ام. زبان مادری من روسی است. متأسفانه من هرگز حتی خواندن [متون] به زبان یهودی را یاد نگرفتم. بنابراین مسأله‌ی یهود هرگز در مرکز توجه من قرار نداشته است.

این به هر حال به این معنی نیست که من محق این هم هستم که چشمم را به روی مسأله‌ی یهود ببندم؛ مسأله که وجود دارد و راه حل می‌طلبد. «دوستان اتحاد جماهیر شوروی» به ایجاد «بیرو-بیدیان» قانع هستند. من در این مرحله باقی نمی‌مانم تا ببینم آیا بر پایه‌ی ای سالم بنا شده و چه نوع رژیم بر آن حاکم است (بیرو-بیدیان نمودار تمام فسادهای دیکتاتوری بوروکراتیک می‌باشد). هیچکس با افکار مترقی به اتحاد جماهیر شوروی برای دادن قلمرویی مشخص به شهروندانی که خود را یهودی بشمار آورده و ترجیح می‌دهند به زبان خود صحبت کنند و می‌خواهند تا به شکل توده‌ی فشرده مسکن گزینند، اعتراض نخواهد کرد.

آیا این یک محله یهودی‌نشین [گتو] هست یا نه؟ در زمان دموکراسی شورایی، در باره‌ی مهاجرت کاملاً داوطلبانه هرگز سخنی از محله‌های یهودی‌نشین به میان نیامد. اما مسأله‌ی یهود و دقیقاً طریقی که مسکن‌گزینی یهودیان انجام شد، جنبه‌ی بین‌المللی به خود گرفت. آیا این درست نیست وقتی که ما می‌گوییم که یک فدراسیون سوسیالیستی جهانی برای ایجاد یک «پیرو-بیدیان» برای آن یهودیانی که می‌خواهند جمهوری خودمختارشان عرصه‌ای برای رشد فرهنگی‌شان باشد، می‌باید امکانات لازم را فراهم آورد؟

شاید بتوان فرض را بر این گذاشت که در دموکراسی سوسیالیستی هیچکس وادار به پذیرفتن فرهنگ و زبان حاکم نمی‌شود. این امکان بسیار وجود دارد که ظرف دو یا سه نسل، مرزهای جمهوری مستقل یهودی، مانند مرزهای خیلی دیگر از مناطق اقلیت‌نشین، برجیده شود. من نه مایلیم و نه فرصت دارم که در این رابطه واسطه باشم. نسل‌های بعدی ما بهتر از ما خواهد دانست که چه باید کرد. من در ذهنم یک دوره‌ی انتقالی تاریخی را ترسیم می‌کنم که «مسأله» یهود به این نحو، هنوز موضوعی حاد بوده و اقدامات لازم از فدراسیون جهانی دولت‌های کارگری مطالبه می‌شود.

دقیقاً همین روش‌های حل مسأله‌ی یهود در دوران افول سرمایه‌داری، خصوصیتی اوتوپیایی و ارتجاعی خواهد داشت (مثل صهیونیزم)، در حالی که تحت نظام فدراسیون سوسیالیستی معنایی حقیقی و مفید به خود خواهد گرفت. این نکته‌ای است که من سعی دارم به آن اشاره کنم. چطور ممکن است یک مارکسیست یا حتی یک دموکرات متعهد به این اعتراضی داشته باشد؟

## مطلب سوم

دوستان عزیز،

«پدر کافلین»، کسی که ظاهراً سعی دارد نشان دهد که اخلاق ایدنالیستی مطلق، مانع آن نمی شود که انسان بزرگ ترین حقه باز از آب درنیاید، در رادیو اعلام نموده که من در گذشته مبلغ بسیار بزرگی پول از بورژواهای یهودی ایالات متحده برای انقلاب دریافت نمودم. من در نشریات با نقدی به این ادعا جواب دادم و گفتم که غلط است و گفتم که من چنین مبلغی را دریافت نکرده ام، البته نه برای اینکه من این کمک مالی را برای انقلاب رد می کردم، بلکه به این دلیل که بورژوازی یهودی چنین کمکی را نکرد. بورژوازی یهودی همواره به اصول خود پایبند است: نم پس نمی دهد، حتی اکنون که سرش در حال برباد رفتن است. سرمایه داری، در حالی که در تضاد خود در حال غرق شدن است، ضربه های خشنناکی را علیه یهودیان دامن می زند، اضافه بر آن، علیرغم تمام «خدمات» گذشته بورژوازی یهودی [به سرمایه داری]، بخشی از این ضربه ها به این [طبقه از یهودیان] هم وارد می شود. اقدامات انساندوستانه نسبت به پناهجویان، در مقایسه با ابعاد وسیع خبیث سازی از یهودیان کمتر و کمتر مؤثر می افتد.

حالا نوبت فرانسه رسیده است. پیروزی فاشیسم در این کشور نشانگر قدرت گرفتن وسیع ارتجاع و رشد هیولای خشونت ضدیهود در سطح جهانی و بیش تر از همه در ایالات متحده آمریکا است. بدون توقف به تعداد کشورهایی که یهودیان را طرد می کند، اضافه و از تعداد کشورهایی که آن ها را می پذیرند مدام کاسته می شود. همزمان، مبارزه نیز تشدید می یابد. به آسانی قابل تصور است که در نتیجه شروع جنگ جهانی آینده، چه مشکلاتی متوجه یهودیان

خواهد شد. حتی بدون جنگ هم پیشرفت ارتجاع در سطح جهانی قاطعانه نشانگر آن است که یهودیان به طور فیزیکی نابود خواهند گردید.

فلسطین سرابی فجیع به نظر می‌رسد و بیروبییدیان کار بیهوده بوروکراتیک. کرملین از قبول پناهندگان خودداری می‌ورزد. کنگره‌های «ضدفاشیزم» باتوان پیر و جوانانی که حرفه‌ای را دنبال می‌کنند، کم‌ترین اهمیتی ندارند. اکنون بیش از هر زمان دیگر، سرنوشت مردم یهودی - نه تنها از نظر سیاسی، بلکه از نظر فیزیکی - با مبارزات رهایی بخش پرولتاریای بین‌المللی گره خورده است. تنها بسیج بی‌پروای کارگران علیه ارتجاع، ایجاد میلیشیای کارگری، مقابله مستقیم فیزیکی با دارودسته‌های فاشیست، افزایش اعتماد به نفس، فعالیت و جسارت تمام ستمدیدگان می‌تواند تغییر در رابطه نیروها را دامن زده، جلوی موج فاشیزم در سطح جهانی را گرفته و فصل جدیدی را در تاریخ بشریت باز نماید.

«بین‌الملل چهارم» اولین جریانی بود که خطر فاشیزم را پیش بینی کرد و راه نجات از آن را نشان داد. «بین‌الملل چهارم» از توده‌های یهودی می‌خواهد که خود را فریب نداده و با حقیقت شوم کاملاً روبرو شوند. نجات [یهودیان] تنها در گروهی مبارزه انقلابی است. مانند زمان جنگ، «ستون فقرات» این مبارزه انقلابی [میلیشیاهای انقلابی کارگری است که] نیروهای ذخیره در مبارزه با فاشیزم می‌باشند. با وجود عناصر مترقی و متوجهی از میان مردم یهود، وظیفه‌ی کمک به پیشروی انقلابی بر دوش آنان قرار دارد. زمان فشار می‌آورد و یک روز حالا برابر است با یک ماه یا حتی یک سال. هر کاری می‌کنید سریع انجام دهید! [اقتباس از انجیل]



## مطلب چهارم

سعی در حل مسأله‌ی یهود با مهاجرت یهودیان به فلسطین، تا کنون نتیجه‌ای جز استهزای یهودیان نبوده است. حکومت انگلستان که خواهان کسب همدردی مردم عربی است که جمعیتشان خیلی بیش‌تر از یهودیان است، سیاست خود را به سرعت در مورد یهودیان تغییر داده و در واقع قول خود را برای یافتن «سرزمینی از آن» یهودیان در یک کشور خارجی را انکار کرده است. رویدادهای نظامی در فلسطین، احتمالاً دامی خونین برای چند صد هزار یهودی است. امروز بیش از هر زمانی دیگر، روشن است که نجات یهودیان رابطه‌ای جداناپذیر با برانداختن نظام سرمایه‌داری دارد.

تروتسکی  
۱۹۴۰

## مترجم: سارا قاضی

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۶